

## واژه نامه جغرافیا

### Geography Dictionary

ارتفاع ( Altitude ) : ارتفاع ، بلندی يك ناحیه است که از سطح تراز دریا اندازه گرفته می شود.

دایره قطبی ( Antarctic ) : دایره قطبی ، تصویر دایره ای از قطب جنوب در عرض 30 66 جنوبی است .

آنالما ( Analemma ) : آنالما يك تصویر به شکل 8 است که انحراف خورشید ( زاویه ای که خورشید با استوا می سازد ) را برای هر روز سال نشان میدهد . اگر يك عکس فوری را در هر روز در يك زمان معین ( از همان مکان ) از خورشید بگیرید . در طی یکسال خورشید يك شکل آنالما را درست خواهد کرد . دلیل آن این است که زمین از محور خود انحراف داشته و مدار آن به دور خورشید يك دایره کامل نیست .

آنتی پود ( Antipodes ) : آنتی پودها يك جفت نقطه هستند که در دو سوی مخالف يك سیاره قرار گرفته اند ( مثل قطب شمال و جنوب ) .

مجمع الجزایر ( Archipelago ) : مجمع الجزایر مجموعه ای یا زنجیری از جزیره هستند که با همدیگر در دریا یا اقیانوس قرار دارند .

دایره قطبی شمال ( Arctic circle ) : دایره قطبی شمال يك دایره فرضی در عرض 30 66 شمال در اطراف قطب شمال است .

آتول ( Atoll ) : آتول يك حلقه ( یا بخشی از حلقه ) از مرجانهاست که تشکیل جزایری را در دریا یا اقیانوس می دهند .

آزیموت ( Azimuth ) : آزیموت زاویه ای است که يك خط در جهت ساعتگرد با نصف النهار ( يك خط طولی ) می سازد .

نقشه بائیمتر ( Bathymetric ) : يك نقشه باسیمتر ، نقشه ای از حجمی از آب بدون کنتورهای عمق ( که ایزوباس نامیده می شوند ) است .

تنگه ( bay ) : تنگه ، آبی است که از چند جهت توسط خشکی احاطه شده است ( و معمولاً کوچکتر از خلیج است ) .

بات ( Butte ) : يك بات سنگ های مسطح روی همدیگر هستند که به شکل تپه ای با شیب های تند هستند .

کانال ( Canal ) : يك آبراه ساخته دست بشر است که برای حمل و نقل یا آبیاری حفر می شود .

کانیون ( Canyon ) : کانیون ، دره عمیقی با دیواره های با شیب تند است که اغلب توسط رودخانه در زمین حفر می شود .

دماغه ( Cape ) : يك نقطه از خشکی است که به داخل دریا ، اقیانوس ، دریاچه یا رودخانه پیش رفته است .

نقشه کش ( Cartographer ) : کسی است که نقشه می کشد .

کارتوگرافی ( Cartography ) : مطالعه و رسم نقشه را کارتوگرافی می گویند .

غار ( Cave ) : غار يك گودال بزرگ در زمین و یا در تپه یا کوه است .

نصف النهار مرکزی ( Central Meridian ) : نصف النهار مرکزی ، نصف النهاری است که از مرکز تصویر می گذرد ، که اغلب بصورت يك خط مستقیم است که محور تقارن تصویر است .

تونل ( Channel ) : يك راه آب باریک است که دو حجم آب را به هم متصل می کند ( مثل تونل انگلستان همچنین تونل بخشی از رودخانه یا لنگرگاه است که عمق آن برای کشتیرانی کافی است ) .

صخره ( Cliff ) : صخره سطح با شیب تند سنگ و خاک است .

قطب نما ( Compass ) : يك قطب نما دستگاهی است که همیشه شمال را نشان می دهد و برای جهت یابی استفاده می شود .

رز کمپاس ( Compass Rose ) : رز کمپاس برای نشان دادن جهت روی نقشه است و شمال ، جنوب ، غرب ، شرق و بعضی جهت های بینا بین آنها را روی نقشه نشان می دهد .

تصویرسازی مخروطی ( Conic Projection ) : تصویر مخروطی يك نوع نقشه به این صورت است که يك مخروط به دور کره ای پیچیده شده و جزئیات روی کره بر روی سطح مخروط تصویر می شود . سپس مخروط را بصورت يك سطح صاف باز می کنند .

قاره ( Condinent ) : خشکی های روی زمین به قاره ها تقسیم می شوند . هفت قاره امروزه شامل: آفریقا ، قطب جنوب ، آسیا ، استرالیا ، اروپا ، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی .

کنتور ( Contour ) : کنتور خطی روی نقشه توپوگرافی است که نقاط هم ارتفاع را به هم متصل می کند .

خلیج ( Cove ) : يك خلیج کوچک نعلی شکل از آب در ساحل است ، این آب توسط خشکی هایی که از سنگ های سست تشکیل شده اند احاطه شده است .

تصویرسازی استوانه ای ( Cylindrical Project ) : يك تصویر استوانه ای نوعی نقشه است که از پیچیده شدن استوانه ای به دور کره و تصویر کردن جزئیات کره بر روی سطح استوانه درست می شود . سپس استوانه را به صورت سطح صاف باز کرده و بصورت نقشه مستطیل در می آید . نقشه های مستطیل بیشترین انحراف را در نواحی قطبی دارند .

( علت آن است که در اندازه ناحیه قطبی در روی نقشه اغراق زیادی شده است )

درجه ( Degree ) : درجه واحد اندازه گیری است که بصورت 0 نوشته می شود . يك دایره 360 درجه است .

هر درجه 60 دقیقه است که با سمبل ' نشان داده می شود . برای مثال ده و نیم درجه بصورت  $10^{\circ} 30'$  نوشته می شود .

دلتا ( delta ) : دلتا يك زمین پست و مرطوب است که در دهانه رود تشکیل می شود . و از سیلت ، ماسه و سنگ های کوچک که توسط رودخانه به پائین دست رودخانه آورده شده تشکیل می شود . دلتا اغلب اوقات ( نه همیشه ) بصورت يك مثلث است ( به همین دلیل دلتا نامیده می شود . دلتا يك حرف یونانی به شکل مثلث است )

بیابان ( Desert ) : يك سرزمین خیلی خشک را بیابان می نامند .

دون ( Dune ) : يك تپه یا برآمدگی است که از ماسه ساخته شده ، دونها به وسیله باد ایجاد می شوند و همیشه در حال تغییر هستند .

نیمکره شرقی ( Eastern Hemisphere ) : نیمکره شرقی شامل : افریقا ، آسیا ، استرالیا و اروپا است .

اکوسیستم Ecosystem اکوسیستم ، بخشی از جامعه و بوم که تشکیل یک واحد فاعله در طبیعت بدهد

خط استوا ( Equator ) : خط استوا دایره فرضی به دور زمین در فاصله بین دو قطب شمال و جنوب است .

مصب ( Estuary ) : مصب محلی است که رودخانه به دریا یا اقیانوس می رسد .

فیورد ( Fjord ) : فیورد باریکه طویلی از دریا است که دیواره های آن صخره های با شیب تند هستند .

نقشه جنگل ( Forestry map ) : نقشه جنگل ، نقشه ای است که دانسیته ، نوع ، اندازه و ارزش درختان در نواحی آن مشخص شده است .

جغرافی ( Geography ) : جغرافی مطالعه سطح زمین است .

نقشه زمین شناسی ( Geologic map ) : يك نقشه زمین شناسی نقشه ای است که ساختار و ترکیب اشکال زمین مثل وجود کانی ها و انواع سنگ ها ، گسل های زلزله ، آب های زیر زمینی و نواحی زمین لغزش در آن نشان داده شده است .

ژئومورفولوژی ( Geomorphology ) : مبحثی در علوم است که درباره چگونگی تشکیل شکل سطح زمین ( و دیگر سیارات ) بحث می کند .

ژیزر ( geyser ) : ژیزر يك چشمه آب گرم طبیعی است که گاهی آب و بخار از آن به روی زمین فوران می کند .

سیستم مختصات جغرافیایی ( Geographical Coordinade System ) : يك سیستم مختصات جغرافیایی سیستمی است که از طول و عرض جغرافیایی برای نشان دادن نقاط روی سطح کروی استفاده می کند .

گلایزر ( Glacier ) : گلایزر حرکت آهسته رودخانه یخ است .

جی پی اس ( GPS ) : جی پی اس مختصر عبارت سیستم مکان یابی کروی است . دستگاه جی پی اس طول و عرض جغرافیایی دقیق را به شما می گوید (اطلاعات را از ماهواره ها دریافت می کند)

خلیج ( gulf ) : بخشی از اقیانوس ( یا دریا ) است که قسمتی از آن توسط خشکی احاطه شده و بزرگتر از تنگه ( bay ) است .

تپه ( hill ) : تپه يك ناحیه برآمده است .

پوسته یخی ( ice shelf ) : پوسته یخی يك تیغه ضخیم از یخ شناور نزدیک سطح زمین است .

خط تاریخ بین المللی ( Line International Date ) : خط تاریخ بین المللی

( IDL ) يك خط فرضی جنوب – شمال ( در نصف النهار هجدهم ) در اقیانوس آرام است که در آن تاریخ عوض می شود در شرق IDL تقویم يك روز جلوتر از غرب آن است . IDL واقعی يك خط مستقیم نیست و اطراف نواحی پر جمعیت بصورت زیگزاگ در می آید .

جزیره ( island ) : جزیره بخشی از خشکی است که توسط آب احاطه شده است .

تنگه ( isthmus ) : تنگه نوار باریکی از خشکی است که دو خشکی بزرگ را به هم متصل می کند و دو طرف آن آب است .

کلید ( key ) : کلیه نقشه ( یا راهنما ) يك جدول کوچک در نقشه است که سمبل های استفاده شده در نقشه را معرفی می کند .

لاگون ( Lagoon ) : لاگون ، آب کم عمق است که در طول ساحل با باریکه ای از خشکی یا تپه زیر آبی از اقیانوس جدا می شود .

لندمارک ( land mark ) : لند مارک هر اثر تاریخی یا طبیعی ( مثل دریاچه یا کوه ) که برای تعیین محل و موقعیت یابی به کار می رود .

عرض جغرافیایی ( Latitude ) : عرض جغرافیایی فاصله زاویه ای شمالی یا جنوبی يك مکان مشخص از خط استوا است . عرض جغرافیایی استوا صفر درجه است عرض جغرافیایی قطب شمال نود درجه شمالی و عرض جغرافیایی قطب جنوب ، نود درجه جنوبی است .

راهنما ( Legend ) : راهنمای يك نقشه ( که کلید نیز نامیده می شود ) يك جدول کوچک است که سمبل های استفاده شده در نقشه را توضیح می دهد .

طول جغرافیایی ( Longitude ) : طول جغرافیایی فاصله زاویه ای شرقی یا غربی يك مکان مشخص از خط شمال – جنوبی است که از گرینویچ انگلستان می گذرد . در گرینویچ انگلستان ، طول جغرافیایی صفر درجه است .

و هر چه که از گرینویچ به شرق یا غرب دورتر بروید طول جغرافیایی زیاد می شود . جزایر میدوی ( Midway ) در اقیانوس آرام طول جغرافیایی 180 درجه ( درست نقطه مخالف گرینویچ در روی کره ) دارند .

نقشه ( map ) : نمایش ترسیمی يك محل است . انواع مختلف نقشه برای استفاده های مختلف وجود دارد . در واقع نقشه نمایش دو بعدی از يك دنیای سه بعدی است . نقشه های مختلف دقت های متفاوتی در ترسیم ناحیه برای اشکال پدیده ها ، فواصل و جهات جغرافیایی دارند . نقشه هایی که به دقت يك ناحیه را نشان می دهند نقشه های معادل نامیده می شوند . ( يك مثال نقشه مخروطی معادل آلبرس است ) . نقشه هایی که شکل موضوعات را کاملاً منعکس می کنند نقشه تطبیقی نامیده می شوند . نقشه هایی که فاصله بین نواحی را به درستی نشان می دهند نقشه های ( equi-distant ) هم فاصله نامیده می شوند ( توجه داشته باشید که فاصله بین دو نقطه در روی نقشه خط مستقیم نبوده و يك منحنی است ) نقشه های جهت یابی نیازمند قطب نمای صحیح هستند که بر روی نقشه ( شبیه نقشه mercator ) رسم شده باشد .

تصویرسازی نقشه ( map projections ) : راه های زیادی برای ترسیم نقشه ها وجود دارد . نقشه يك رسم دو بعدی از سطح منحنی ( يك کره ) است . يك نقشه از همه نظر نمی تواند درست باشد . روش ترسیم نقشه را تصویرسازی می نامند زیرا کارتوگراف ها سطح سه بعدی را به يك نقشه دو بعدی تبدیل می کنند . انواع مختلف تصویرسازی استفاده های مختلفی وجود دارد . بعضی تصویرسازی ها جهات را مدنظر دارند . اما ناحیه ها را بد نشان می دهند . ( شبیه تصویرسازی رابینسون ) .

مقیاس نقشه ( map scale ) : مقیاس نقشه نسبت بین فاصله بین دو نقطه روی نقشه در مقایسه با فاصله واقعی بین همان دو نقطه در روی زمین است .

مرداب ( marsh ) : يك نوع آب شیرین یا شور یا آب شور مزه مناطق مرطوب است که در طول رودخانه ، تالاب ، دریاچه ها یا سواحل پیدا می شوند . و گیاهان مرداب به سمت بیرون آب رشد می کنند .

تصویرسازی مرکاتور ( Mercator Projection ) : تصویر مرکاتور نوعی نقشه چهارگوش ( يك تصویرسازی استوانه ای ) است که جهات را به درستی نشان داده ( خطوط طول و عرض جغرافیایی بصورت خط مستقیم هستند ) اما ناحیه ها به درستی تصویر نشده اند ( برای مثال قطب ها بزرگتر از اندازه واقعی هستند ) تصویرسازی مرکاتور برای جهت یابی مناسبند . گرادوس مرکاتور برای اولین بار تصویرسازی استوانه ای را برای جهت یابی در سال 1569 به کار برد .

نصف النهار ( meridian ) : يك نصف النهار يك کمان دایره ای ( يك دایره بزرگ ) از طول جغرافیایی است که به قطب های شمال و جنوب متصل بوده و تمام نقاطی را که همان طول جغرافیایی را دارند به هم متصل می کند . اولین نصف النهار ( طول جغرافیایی صفر ) از گرینویچ انگلستان می گذرد .

مزا ( mesa ) : مزا یکی از اشکال سطح زمین است که بصورت يك برآمدگی با دیواره های با شیب های تند در يك زمین مسطح است و معمولاً در مناطق خشک بوجود می آید .

تصویرسازی مالوید ( Mollweide Projection ) : تصویرسازی مالوید نوعی از نقشه تصویر شده سینوسی است که در آن تمام سطح کره زمین در يك بیضی نشان داده شده است . خطوط عرض جغرافیایی موازی استوا بوده اما طول جغرافیایی بصورت منحنی هستند در نتیجه يك روش برای حداقل کردن خطا است بیشترین خطا در لبه های بیضی است . این نوع تصویرسازی در سال 1805 توسط کارل مالوید ابداع شد .

کوه ( Mountain ) : کوه يك مکان بسیار مرتفع – مرتفع تر از تپه – بر روی زمین است . بلندترین کوه در روی زمین کوه اورست است .

نیمکره شمالی ( Northern Hemisphere ) : نیمکره شمالی ، نیمه ای از کره زمین است که در شمال خط استوا قرار دارد .



قطب شمال مغناطیسی ( North Magnetic Pole ) : قطب شمال مغناطیسی نقطه ای در نیمکره شمالی زمین است که عقربه کمپاس همیشه آن را نشان می دهد . در قطب شمال مغناطیسی عقربه کمپاس عمودی می ایستد . در حال حاضر این نقطه در شمال کانادا است ( مکان قطب شمال مغناطیسی همیشه در حال تغییر است ) .

قطب شمال ( North Pole ) : قطب شمال نقطه ای در نیمکره شمالی است که دورترین نقطه است و از استوا نود درجه فاصله دارد .

واحه ( Oasis ) : مکانی در بیابان است که آب دارد و حاصلخیز است .

اقیانوس ( Ocean ) : اقیانوس حجم بزرگی از آب شور است که قاره ها را احاطه کرده است ، اقیانوسها بیشتر از دو سوم سطح کره زمین را می پوشانند .

تصویرسازی ارتوگرافی ( Orthographic Projection ) : تصویر ارتوگرافی نوعی نقشه است که اصولاً ( یکطرف ) یک کره را ترسیم می کند . در این نقشه نواحی بیشترین خطا را داشته اما یک کره را به خوبی نشان می دهد .

تصویرسازی ارتوفانیک ( Orthophanic Projection ) : تصویرسازی ارتوفانیک ( به معنی عملکرد صحیح ) همان تصویرسازی رابینسون است و نوعی از نقشه های با کاربرد وسیع است که زمین را روی یک بیضوی مسطح نشان می دهند در این تصویرسازی کاذب استوانه ای ، خطوط عرض جغرافیایی موازی با استوا بوده اما طول جغرافیایی به صورت کمانهای بیضوی هستند . در تصویرسازی رابینسون ، نواحی به دقت نشان داده شده اند . اما فواصل و جهات جغرافیایی دارای خطا هستند ( برای مثال خطوط قطب نما به صورت منحنی میباشند ) این نوع از تصویرسازی برای اولین بار در سال 1963 توسط آرتور رابینسون اختراع شد .

مدار ( Parallel ) : مدار ( عرض جغرافیایی ) خطی از نقشه است که تصویری از یک دایره شرقی - غربی است که روی کره زمین روی یک صفحه موازی با سطح در برگیرنده استوا رسم می شود.

شبه جزیره ( Peninsula ) : قسمتی از خشکی است که از سه طرف توسط آب احاطه شده است .

نقشه فیزیکی ( Physical map ) : نقشه فیزیکی ، نقشه ای است که اشکال فیزیکی طبیعی یک ناحیه مثل کوهها ، دریاچه ها و رودخانه ها را نشان می دهد .

دشت ( Plain ) : سرزمین مسطحی است که تغییرات ارتفاعی آن کم است .

تصویرسازی مسطح ( Planar Projection ) : تصویرسازی مسطح یک نوع نقشه است که جزئیات کره در یک صفحه ( یک سطح مسطح ) تصویر شده و یک نقشه چهارگوش را ایجاد می کند نقشه های استوانه ای به سمت لبه ها بیشترین خطا را دارند .

نقشه پلانیمتری ( Planimetric Map ) : نقشه ای است که فقط وضعیت افقی اشکال ( و نه وضعیت عمودی ) آنها را نشان می دهد مثل ارتفاع در نقشه های توپوگرافی .

فلات ( Plateau ) : یک ناحیه مرتفع و مسطح زمین است که از زمینهای پیرامون خود مرتفع تر است .

نقشه سیاسی ( Political Map ) : نقشه ای است که اشکال فرهنگی مثل مرزهای سیاسی کشورها ایالت ها ، استانها و شهرستانها را نشان می دهد .

حوضچه ( Pond ) : حجم کوچکی از آب است که با خشکی محاصره شده و از دریاچه کوچکتر است .

چمن زار ( Prairie ) : زمین مسطح و نسبتاً وسیعی است که با علف پوشیده شده و فقط تعداد کمی درخت دارد .

نصف النهار مبدأ ( Prime Meridian ) : نصف النهار مبدأ ( طول جغرافیایی صفر درجه ) نصف النهاری است که از گرینویچ انگلستان می گذرد .

تصویرسازی ( Projection ) : نمایش يك چیز به صورت چیز دیگری است. مثلاً سطح سه بعدی منحنی مثل سطح زمین به صورت نقشه دو بعدی مسطح نمایش داده می شود. سه نوع اصلی تصویرسازی عبارتند از : استوانه ای ، مخروطی و مسطح .

چهارگوش ( quadrangle ) : يك چهارگوش ناحیه ای چهار پهلو است که توسط دو سری خطوط ( موازی ) عرض جغرافیایی و دو سری خطوط طول جغرافیایی ( نصف النهار ) در يك نقشه احاطه شده است .

سلسله ( range ) : يك سلسله زنجیره ای از کوهها ویا ارتفاعات بلند است .

ریف ( reef ) : رشد زیر آبی مرجانها در نزدیکی سطح آب ردیف را بوجود می آورد .

نقشه برجسته ( relief map ) : نقشه برجسته يك نقشه توپوگرافی است که در آن رنگهای مختلف و سایه ها برای نشان دادن ارتفاعات مختلف به کار می رود .

مخزن ( Reserrior ) : مخزن ، دریاچه ساخته دست بشر است که برای ذخیره آب به کار می رود .

رودخانه ( river ) : حجم بزرگی از آب جاری است که معمولاً به دریا یا اقیانوس می ریزد .

نقشه راه ( road map ) : نقشه راه ، بزرگراههای اصلی و فرعی ، شهرهای بزرگ و کوچک را نشان می دهد این نوع نقشه توسط مسافران جاده به کار می رود و اغلب اوقات اطلاعات مفید دیگری مثل محل پارک و یا کمپ ها را به مسافران نشان می دهد .

تصویرسازی رابینسون ( Robinson Projection ) : تصویرسازی رابینسون نوع پرکاربردی از نقشه است که در آن زمین داخل يك بیضی با سطوح مسطح فوقانی و تحتانی نشان داده می شود در واقع در داخل يك استوانه کاذب ، در این تصویرسازی خطوط عرض جغرافیایی موازی استوا بوده اما همین خطوط به صورت کمانهای بیضوی هستند . در تصویرسازی رابینسون نواحی به درستی نمایش داده می شوند اما فواصل و جهات دارای خطا هستند .

( برای مثال خطوط قطب نما به صورت منحنی هستند ) این نوع تصویرسازی اولین بار در سال 1963 توسط رابینسون ابداع شد که به آن تصویرسازی ارتوفانیک ( به معنی نمایش صحیح ) نیز می گویند .

مقیاس ( scale ) : مقیاس نسبت فاصله دو نقطه روی نقشه به فاصله همان دو نقطه روی زمین است .

دریا ( sea ) : حجم بزرگی از آب شور است که معمولاً به اقیانوس متصل است . دریا ممکن است از یکطرف و یا از همه جهات توسط خشکی احاطه شود .

سطح تراز دریا ( Sea Level ) : سطح تراز ، ارتفاع دریا یا اقیانوس است .

تصویرسازی سینوسئیدال ( Sinusoidal Projection ) : یک نوع از تصویرسازی نقشه است که در آن خطوط عرض جغرافیایی موازی استوا بوده و خطوط طول جغرافیایی بصورت منحنی هایی در اطراف نصف النهار مبدأ هستند .

تنگه یا بغاز ( sound ) : بخشی از دریا یا اقیانوس است که موازی خط ساحلی است و اغلب اوقات توسط جزایر نزدیک به هم از خط ساحلی جدا می شود .

منشأ ( Source ) : نقطه آغازین رود را منشأ رود می نامند .

نیمکره جنوبی ( Southern Hemisphere ) : نیمه ای از کره زمین که در جنوب خط استوا است .

قطب جنوب مغناطیسی ( South Magnetic Pole ) : قطب جنوب مغناطیسی نقطه ای در نیمکره جنوبی زمین است که عقربه قطب نما آن را نشان می دهد در این نقطه عقربه بصورت عمودی می ایستد . در حال حاضر این نقطه در ساحل قاره قطب جنوب است ( و محل آن دائم در حال تغییر است ) .

قطب جنوب ( south pole ) : نقطه ای در نیمکره جنوبی زمین است که جنوبی ترین نقطه است و فاصله آن از استوا 90 درجه جنوبی است .

باریکه ( Strait ) : حجم باریکی از آب است که دو حجم بزرگ آب را به یکدیگر وصل می کند .

باتلاق ( Swamp ) : یک نوع زمین مرطوب با آب شیرین است که زمین گلی و اسفنجی با آب فراوان دارد و درخت و بوته زیادی در آن می روید .

نقشه توپوگرافی ( Topographic map ) : نقشه ای است که در آن ارتفاع نقاط نشان داده شده است .

شاخه فرعی ( Tributary ) : نهر یا رودخانه ای است که به داخل رودخانه بزرگتر می ریزد .

رأس سرطان ( Tropic of cancer ) : خط فرضی از عرض جغرافیایی در 23 درجه و سی دقیقه شمال است .

رأس الجدی ( Tropic of Capricorn ) : خطی فرضی در عرض 23 درجه و سی دقیقه جنوبی است .

مدارات ( Tropics ) : ناحیه استوایی گرم بین رأس سرطان و رأس جدی است .

تندرا ( Tundra ) : ناحیه بی درخت سرد ، با سردترین شرایط .

آبشار ( Water fall ) : زمانی که رودخانه با بیشترین شیب جاری می شود آبشار درست می شود .

نقشه هواشناسی ( Weather map ) : نقشه ای است که شرایط آب و هوایی را در یک دوره زمانی نشان می دهد این نقشه ها ، طوفانها ، جبهه ها ، دما ، باران ، برف ، تگرگ ، مه ، ... را نشان می دهد .

دره ( Valley ) : منطقه پست بین دو کوه است .

آتشفشان ( Volcano ) : یک شکاف کوه مانند در پوسته زمین است . وقتی آتشفشان فوران می کند ، لاوا ، خاکستر و گازهای داغ از اعماق زمین بیرون می ریزد .

نیمکره غربی ( Western Hemisphere ) : نام دیگری برای آمریکا ( یا ینگه دنیا ) است .

سرزمین مرطوب ( Wetland ) : ناحیه ای از زمین است که اغلب مرطوب است و خاک آن اغلب اکسیژن کمی دارد . و گیاهان آن به زندگی در خاک مرطوب خو گرفته اند ، انواع مختلف آن شامل:

swap , slough , fen , bog , marsh , moor , muskey , peatland , bottomland , delmarra  
, mire , wet meadow , riparian

تصویرسازی سه تایی وینکل Winkel Tripel Projection نوعی از نقشه های تصویرسازی شده به روش استوانه کاذب است که هر دو خطوط طول و عرض جغرافیایی به صورت منحنی هستند . این روش در اواخر دهه 1990 توسط انجمن بین المللی جغرافی رواج یافت ( جایگزین روش رابینسون شد )